

ارتقاء حضورپذیری در فضاهای عمومی شهری با تکیه بر نظریه مکان‌سازی

عباس ترکاشوند^۱، پریسا احمدیان^{۲*}، بابک رشیدی^۳

۱- استادیار گروه معماری، دانشگاه گیلان، (tarkashvand@iust.ac.ir)

۲- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، (ahmadiyan@webmail.guilan.ac.ir)

۳- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، (b.rashidi@ut.ac.ir)

چکیده

فضاهای باز شهری که در حال حاضر در کشور وجود دارند، در جذب جمعیت و فراخواندن ساکنین به سمت خود به خوبی عمل نمی‌کنند. در حالی که این فضاها می‌توانند در برقراری تعاملات اجتماعی تاثیرگذار باشند و عرصه‌ای باشند برای حضور و بروز شهروندان در شهر. جذب جمعیت در این فضاها اغلب در محدوده‌ی فعالیت‌های ضروری و اجباری اتفاق می‌افتد و فضاها جوابگوی طیف وسیعی از فعالیت‌های اجتماعی افراد نیستند. این تحقیق در تلاش است تا با بررسی موضوع عدم جذب جمعیت فضاهای عمومی شهری با تاکید بر فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی، با رویکرد پدیدارشناختی و از دیدگاه نظریه ساخت مکان، رهنمودهایی برای طراحی این دسته از فضاها ارائه دهد. یکی از مفاهیم اصلی مورد توجه نظریه‌پردازان پدیدارشناس در تعریف مکان، مفهوم درون بودگی و ارتباط بین حس درون و بیرون است. کیفیت درون بودن و تجربه‌ی درون بودن است که مکان‌ها را در فضا متمایز می‌کند. درون بودن شاید مربوط به شکلی کالبدی باشد و به واسطه‌ی خصوصیات هندسی کالبد در فرد ایجاد شود و یا ممکن است با حضور در مراسم و فعالیت‌های مکرر محقق شود و یا از خلال تداعی‌های معنایی و نشانه‌ها برای او نمود یابد و کیفیات خاص یک مکان را حفظ کند. اما بالاتر از همه درون بودن مربوط است به شدت تجربه یک مکان. این درون بودن جوهره‌ی حس مکان است. در این نوشته سعی شده است مؤلفه‌های ارائه شده توسط صاحب‌نظران در باب مکان، با نگاه نقش مؤلفه‌ی درون بودن در خلق حس مکان دسته بندی و مورد بازخوانی قرار گیرد. در نوشته حاضر سعی شده است، با تکیه بر منابع معتبر و مرتبط با موضوع و با تکنیک مطالعات کتابخانه‌ای مقوله‌ی حضورپذیری در فضاهای عمومی شهری مورد بررسی قرار گیرد، و در انتها دسته بندی‌ای از درجات مختلف تجربه‌ی درون بودن در شهر ارائه شود.

واژه‌های کلیدی: حضورپذیری، فضای عمومی شهری، دیالکتیک درون و بیرون